مردم سالاری

روزنامه اجتماعی- سیاسی- فرهنگی و اقتصادی

صاحب امتیاز: حزب مردم سالاری
مدیرمسئول: مصطفی کواکبیان

نشانی اینترنتی: www.mardomsalari.net
نشانی تلگرام: mardomsalaridaily
نشانی اینستاگرام: mardomsalaridaily1
آدرس تحریریه: اتوبان شیخ‌فضل‌الله نوری شمال به جنوب
خروجی خیابان سازمان آب - خیابان حاجی‌پور امیر - کوچه چهارده - پلاک ۱
تلفن: ۲۹- ۸۸۲۸۸۲۲۶
فکس: ۸۸۲۶۳۰۹۴
رتبه روزنامه: ۳
چاپ: نشر ریحان- تلفن: ۶۵۶۰۷۹۱۷

اذان صبح: ۵/۱۹ طلوع آفتاب: ٦/٤٦ اذان‌ظهر: ۱۳/۰۰ اذان مغرب: ۱۹/۳۱
چهارشنبه ۲٤ شهریور ۱٤۰۰ -۸ صفر ۱٤٤۳ -۱۵ سپتامبر ۲۰۲۱- شماره ۵۵۳۱

حدیث روز

حضرت محمد(ص):
خدایا از گناه و جهالت و افراط کاری من و آنچه بهتر از من میدانی در گذر خدایا خطا و عمد و شوخی و جدی من همه را ببخش خدایا گناهان سابق ولاحق و نهان و عیان مرا عفو کن.

(نهج‌الفصاحه)

نگاه

تبارشناسی منتقدان رویکرد عدم مداخله ایران در افغانستان

محمدرضا نوروزپور

رویکرد ایران نسبت به تحولات افغانستان با انتقاداتی در داخل و خارج از کشور مواجه شده است.
تبار شناسی منتقدان نشان می‌دهد هریک از ایشان، خاستگاه فکری، سیاسی و فرهنگی متفاوتی در این خصوص دارند که خوب است در ارزیابی‌ها لحاظ شود. بسیاری از ناظران سیاسی و آشنا به قواعد روابط بین الملل در داخل و خارج از کشور رویکرد و سیاست‌های ایران در قبال منطقه و مردم رنجدیده افغانستان را اصولی، هوشمندانه و مبتنی بر حزم و دوراندیشی عملگرایانه و ناظر بر تامین منافع ملی خود ارزیابی می‌کنند.
در عین حال هستند عده‌ای که معتقدند ایران نسبت به این تحولات، منفعل ظاهر شده و یا افغانستانی‌های شیعه یا فارس زبانی که قرابت فرهنگی بیشتری با ایران داشته اند را به حال خود واگذاشته است.
این منتقدان داخلی و خارجی را البته با یک تبار شناسی کلی می‌توان دسته بندی کرد تا دید هریک با چه ظن و نیت و هدفی رویکرد ایران را در بوته نقد قرارداده اند.
در بخش داخلی تصورم این است که عمده منتقدین، موضوع را از منظر عاطفی و حس قرابت فرهنگی که با فارس زبانان و یا شیعیان افغانستانی دارند ارزیابی می‌کنند و به قول فردوسی بزرگ دلشان پرخون و جانشان پر ز درد گشته است و از سر سوختن دل، دریغ و درد می‌گویند که ایکاش چنین نمی‌رفت و چنان نمی‌شد. حال آنکه تاریخ روابط بین الملل پر است از رویدادهای ناخوشایندی که خارج از اراده و توان ما رخ داده است.
دسته دیگر، کارشناسان و نخبگانی هستند که فراتر از احساسات و عواطف به تحولات می‌نگرند و حرفِ حقشان این است که آنچه در افغانستان رخ می‌دهد آغاز یک فرایند پیچیده است که هرگز نباید خوش خیالانه و یا از نظر آنها منفعلانه با آن مواجه شد و لازم است کشور نسبت به این تحولات، سیاست‌های چندلایه، عمیق تر و پویاتری اتخاذ کند تا ضمن بهره‌مندی از به قدرت رسیدن طالبان به عنوان یک واقعیت غیرقابل انکار در کشور همسایه، متحدین ذاتی فرهنگی ـ مذهبی تاریخی خود را در این کشور از دست نداده و آنها را از خود نرنجاند. با این همه این دسته نیز نه تنها پیشنهاد مشخصی ارائه نمی‌کنند بلکه بعضا از فحوای کلام و نحوه ابراز نگرانی شان، ناخواسته بوی دعوت ایران به مداخله در کشور همسایه به مشام می‌رسد.
دسته اندک دیگری اما به خوبی از عقلانی بودن رویکرد عدم مداخله ایران در امور همسایه واقفند اما تجاهل می‌کنند و از سر لجبازی با حاکمیت و سِرتِقی سیاسی، این رویکرد را به چاش کشیده و از آن مشروعیت زدایی می‌کنند.
والا اگر در خلوت از هرکدامشان بپرسی با چه منطقی ایران باید وارد جنگ یا درگیری با طالبان و مداخله در امور کشور همسایه شود؟ و آیا ارزیابی دقیقی از تبعات فاجعه بار چنین اقدامی چه برای مردم ایران و چه برای فارس زبانان و شیعیان افغانستان دارند؟یا پاسخی ندارند یا اذعان می‌کنند که منظورشان از این انتقادات مداخله نظامی نیست.
و اما منتقدان خارجی. آنها به خوبی از درست بودن رویکرد عدم مداخله ایران در امور افغانستان و تعامل با طالبان که ضامن تحصیل منافع ملی و حفظ منافع فارس زبانان و شیعیان افغانستان است واقفند ولی عمدتا خواسته یا ناخواسته، بازیگر سناریویی هستند که اهداف آن و یا ماحصل آن می‌تواند به شرح ذیل باشد :
-فراموش شدن یا به حاشیه رفتن شکست و فرار آمریکا از افغانستان بعد از ۲۰ سال
- تحریک ایران برای ورود به باتلاق افغانستان (جاییکه قبلا آمریکا و شوروی به عنوان قدرتمندترین کشورهای نظامی و اقتصادی جهان در آنجا شکست خورده و از آن فرار کرده‌اند)
-تحریک احساسات مردم ایران برای ایجاد دوقطبی فرسایشی مردم ـ حاکمیت
-تحریک احساسات فارس زبانان و شیعیان افغانستان و ایجاد جنگ داخلی خانمان سوز در این کشور
-ایجاد حس بی‌اعتمادی و نفرت از ایران در میان افغانستانی‌هامبنی بر اینکه آنها را در برابر طالبان تنها گذاشته است.
-ایجاد تردید و تشکیک در عزم طالبان مبنی بر تعامل سازنده با ایران
-سردرگم و مردد کردن تصمیم سازان کشور در حوزه تعامل با افغانستان پیش رو.

منبع: خبرآنلاین

طرح روز

مانی فرانسیسکو

افغانستان طالبانی

پیشنهاد

جواد لگزیان

ریاضیات بیماری

کتاب ریاضیاتِ بیماری نوشته ابوذر کردی توسط نشر نصیرا منتشر شد. در ترمینولوژی پزشکی، ترمینال به بیماری می‌گویند که آماده مرگ است و به قول معروف پزشک‌ها، جوابش کرده‌اند. در روزهای پیک کرونا، روزی چند صد نفر در ایران آماده مرگ می‌شدند و نگریستن در پدیدار مرگ آنان، از آن دریچه که از دست پزشک کاری برنمی‌آمد، حیرانی آور است. وقتی این همه‌گیری را با همه‌گیری‌های قرن گذشته در ایران مقایسه می‌کنیم، به نظر می‌رسد در یک وجه مشترک باشند و آن هم فقدان آمار ناصواب در تعداد ترمینال‌ها، ابهام در برابر یا نابرابر بودن امکانات موجود برای رویارویی با همه گیری جهت کاستن از میزان ترمینال‌ها و مجمل بودن مجموعه ای از پارامترهای عددی و ریاضیک است که کار تحلیل این بیماری را به فرسایش کشانده است. هنوز به طور قاطع نمی‌توان با یک سطح اطمینان مطلوب از وضعیت دارایی‌های فرآیندی (Process Asset) نظام پزشکی و پیراپزشکی ایران برای رویارویی با کلان بحران کرونا، سخن به میان راند. کتاب «ریاضیاتِ بیماری» کوششی است که هم می‌خواهد رازورزانه به ترمینال‌ها خیره گردد و هم می‌خواهد با زبانی صریح و آشکار، به واگشایی متعیّن آنان موقوف گردد. ارتباط ریاضی با بیماری که در ظاهر عنوانی آن با یک نقش نمای اضافه به هم وصل شده است و یک ترکیب اضافی برساخته است، در این خصلت تشریح می‌گردد که اکنون که داریم بیمار می‌شویم، اینک که داریم می‌میریم، چرا چنین شده ایم و این شدن برحسب عدد و آمار، نمایان می‌شود. در کتاب «ریاضیات بیماری» تلاش می‌گردد تا مخاطب با اهمیت آمار ریاضی برای تشریح بیماری‌ها و به ویژه هنگام همه‌گیری‌ها که تعداد بیماران، فوتی‌ها و برگشتی‌ها از مرگ‌ها بسیار متغیر و سیال است، آشنا گردد. این کتاب قصد آموزش ریاضی و فرمول‌های آمار را ندارد و مخاطب آن همه اقشار جامعه هستند. در این کتاب می‌خواهیم این جرقه در ذهن مخاطب القا گردد که چرا ریاضیات مهم است و چرا از آموزش سالم آن در جامعه مضایقه می‌کنیم؟ از سمت دیگر از موانع توسعه ریاضیات در کشور سخن رانده می‌شود و چگونه می‌شود که در میانه بیماری و مواجهه با ترمینال‌ها، به ناگاه پدیدار می‌شود و همه چیز را بی آنکه رنگ و بزک نماید، آشکار نشان می‌دهد؟

برباد رفته، رمانی بینظیر و جاودان

بربادرفته، یک رمان عاشقانه بی‌نظیر و تنها اثر مارگارت میچل است که در سال ۱۹۳۷ جایزه نوبل گرفت و در سال ۱۹۳۹ پرفروش‌ترین کتاب جهان شد. همان زمان فیلمی‌با همین نام به کارگردانی ویکتور فلمینگ و بازی کلارک گیبل و ویویان لی براساس این کتاب ساخته شد که رکورد فروش را شکست و جوایز اسکار ۱۹۴۰ را درو کرد.
داستان بربادرفته درباره دختری به نام اسکارلت اوهارا است؛ دختری با ظاهر جذاب و مغرور که برای رسیدن به خواسته‌های خود هیچ مرزی ندارد، اما زندگی و عشقش به جنگ آمریکا پیوند می‌خورد و داستانی پرکشش خلق میکند. نقطه قوت رمان، حضور شخصیتهای متعدد و پرداخت مناسب این شخصیتهاست. مارگارت میچل، نویسنده داستان، تحصیلاتش را در رشته پزشکی نیمه‌کاره رها کرد و به روزنامه‌نگاری روآورد. اما به علت شکستگی قوزک پا خانه‌نشین شد و شروع به نگارش رمان بر باد رفته کرد. بعدها دو رمان دیگر به عنوان ادامه بربادرفته منتشر شد: «خویشان رت باتلر« نوشته‌ی دونالد مک کیج و «اسکارلت» نوشته الکساندر ریبلی. اما هیچکدام موفقیت چندانی کسب نکردند.

دانستنی‌ها

ایستادن خطر ابتلا به بیماری‌های مزمن را کاهش می‌دهد

انسولین هورمونی کلیدی در سوخت و ساز انرژی و تنظیم قند خون است. عملکرد طبیعی این هورمون ممکن است به دلایل مختلفی مثل چاقی مختل شده و با کاهش حساسیت بدن نسبت به این هورمون خطر ابتلا به دیابت نوع دوم و بیماری‌های قلبی عروقی افزایش می‌یابد. اکنون محققان دریافتند که مدت زمان ایستادن افراد با اثرگذاری این هورمون ارتباط دارد. به گزارش ایسنا و به نقل از ساینس‌دیلی، در مطالعه‌ای مشترک میان مرکز Turku PET و موسسه UKK محققان دریافتند که ایستادن با واکنش بهتر بدن نسبت به انسولین ارتباط دارد بنابراین افزایش مدت زمان ایستادن در طول روز می‌تواند به جلوگیری از بیماری‌های مزمن کمک کند. دیابت نوع دوم یکی از شایع‌ترین بیماری‌ها در سراسر جهان است. این بیماری به طور معمول با عدم واکنش بدن به انسولین نمایان می‌شود. در این حالت بدن در برابر انسولین مقاومت پیدا کرده و با ترشح آن قند خون کاهش نمی‌یابد. سبک زندگی نقش مهمی در ایجاد مقاومت به انسولین و ابتلا به دیابت نوع دوم دارد. فعالیت بدنی منظم نقش مهمی در جلوگیری از این بیماری ایفا می‌کند. با این حال تاکنون اطلاعات کمی در مورد تاثیر نشستن و ایستادن بر ایجاد مقاومت در برابر انسولین وجود داشته است. در این مطالعه محققان به بررسی ارتباط میان نشستن، فعالیت بدنی و تناسب اندام در افراد بزرگسال کم تحرک و احتمال ابتلا به دیابت نوع دوم و بیماری‌های قلبی عروقی پرداختند. این مطالعه که در مجله‌ی Science and Medicine in Sport منتشر شده است نشان می‌دهد که ایستادن با واکنش بهتر بدن در برابر هورمون انسولین ارتباط دارد. تارو گارتویت (Taru Garthwaite) از دانشگاه تورکو (Turku) می‌گوید: این ارتباط پیش از این دیده نشده بود. این یافته‌ها افراد را تشویق به ایستادن بیشتر در طول روز می‌کند به خصوص اگر فعالیت بدنی ندارند. علاوه بر این در این مطالعه به اهمیت سلامت بدن اشاره می‌شود. نتایج تحقیقات نشان می‌دهد که کاهش میزان چربی بدن بیشتر از فعالیت بدنی بر واکنش بدن نسبت به انسولین اهمیت دارد. با این حال ارتباط ایستادن و تاثیر انسولین فارغ از مواردی مثل چربی بدن و فعالیت بدنی بررسی شده است. براساس این مطالعه نمی‌توان اثرات ایستادن را پیش‌بینی کرد اما به گفته‌ی «گارتویت» نتایج نشان می‌دهد که افزایش مدت زمان ایستادن در روز به خصوص اگر فعالیت بدنی ندارید می‌تواند از ابتلا به بیماری‌های مزمن جلوگیری کند.

قاب

خبرگزاری فرانسه

هواپیمای خطوط هوایی پاکستان نخستین مهمان فرودگاه کابل در دوره حکومت طالبان

فناوری

نخستین آزمایش لاستیک بدون هوای ضد پنچری در دنیای واقعی

شرکت تایرسازی میشلن برای اولین بار در دنیا، لاستیک‌های بدون هوای خود را که برای عرضه در بازار در سال ۲۰۲۴ برنامه‌ریزی شده است، با یک خودروی برقی در خیابان آزمایش کرد. به گزارش ایسنا و به نقل از آی‌ای، لاستیک‌های ضد پنچری سالهاست که یک مفهوم جذاب هستند. شرکت تایر سازی فرانسوی چند ملیتی میشلن (Michelin) از سال ۲۰۰۵ روی این مفهوم کار می‌کند و اکنون پس از بیش از یک دهه کار، این مفهوم به واقعیت نزدیک شده است.این شرکت برای اولین بار لاستیک‌های بدون هوا و ضد پنچری خود را در راستای اهداف این شرکت برای پایداری بیشتر در آینده، زیر یک خودروی برقی آزمایش کرد. میشلن شرکت تایرسازی فرانسوی چندملیتی است که در سال ۱۸۸۹ توسط ادوارد میشلن و آندره میشلن تأسیس شد. این شرکت هم‌اکنون پس از شرکت بریجستون دومین تولیدکننده تایر در جهان محسوب می‌شود. دفتر مرکزی این شرکت در شهر کلرمون-فران فرانسه قرار دارد. سالانه بیش از سه میلیارد لاستیک در سراسر جهان تولید می‌شود. این لاستیک‌ها پس از طی طول عمر خود، معمولاً کارشان به محل دفن زباله ختم می‌شود. آنها همچنین در خطر آتش سوزی و انتشار گازهای سمی در جو هستند. به مانند دیگر چیزها، یکی از راه‌های سازگارتر شدن لاستیک‌ها و تایرها با طبیعت، ساختن آنها از مواد طبیعی است. مورد دوم کاهش مواردی است که باعث ساییدگی لاستیک‌ها می‌شود. اکنون «میشلن» از هر دوی این رویکردها استفاده می‌کند تا لاستیک‌های خود را در آینده سبزتر کند. این شرکت می‌خواهد لاستیک‌هایی بسازد که بدون هوا، قابل شارژ، متصل و پایدار باشند. این سیستم منحصر به فرد ضد پنچری موسوم به UPTIS یک تایر بدون هوا است که به لطف طراحی منحصر به فرد خود نیازی به پر شدن با هوا ندارد و هرگز نیز سوراخ یا اصلاحا پنچر نمی‌شود. شرکت میشلن در سال ۲۰۱۷ یک تیزر ویدئویی از این تایر جدید منتشر کرد تا به ایجاد هیجان کمک کند. طبق اعلام میشلن، UPTIS ترکیبی از یک چرخ آلومینیومی است و دارای یک ساختار انعطاف پذیر است که از «پلاستیک تقویت شده با الیاف شیشه»(GFRP) ساخته شده است. الیاف شیشه (Glass fiber) مشهورترین تقویت‌کننده مورد استفاده در صنعت کامپوزیت است و انواع مختلفی از آن به صورت تجاری وجود دارند. ترکیبات شیمیایی این الیاف با هم متفاوت است و هر کدام برای کاربرد خاصی مناسب است. از این الیاف در صنعت ساختمان به جهت پوشش‌های حفاظتی و مقاوم‌سازی المان‌های مختلف سازه‌ای استفاده زیادی می‌شود. از مهم‌ترین ویژگی‌های این الیاف می‌توان به مقاومت کششی بالا و وزن کم و همچنین قیمت کمتر نسبت به الیاف کربن در بازارهای جهانی اشاره کرد.
میشلن اطمینان دارد که با این طراحی می‌تواند عملکردی مشابه با تایرهای کنونی ارائه دهد. این شرکت به تازگی این تایرهای جدید را برای اولین بار در معرض دید عموم قرار داده و حتی تعداد محدودی از افراد را برای آزمایش رانندگی آنها دعوت کرده است.

فیلم بازی

تنها بازمانده

تنها بازمانده (Lone Survivor) یک فیلم جنگی آمریکایی به نویسندگی و کارگردانی پیتر برگ است. این فیلم بر اساس کتابی به همین نام در سال ۲۰۰۷، نوشته مارکوس لوترل، با همکاری رمان‌نویس بریتانیایی پاتریک رابینسون ساخته شده‌است. در این فیلم بازیگرانی همچون مارک والبرگ، تیلور کیچ، امیل هرش، بن فاستر و اریک بانا ایفای نقش می‌کنند.
تنها بازمانده توسط یونیورسال استودیوز به صورت اکران محدود در ۲۵ دسامبر ۲۰۱۳ در ایالات متحده به نمایش درآمد. داستان فیلم در طی جنگ افغانستان روایت می‌شود. هدف عملیات بال‌های سرخ، دستگیری یا از پا درآوردن یکی از رهبران رده بالای طالبان است.
چهار مأمور ویژه به زمین منتقل می‌شوند تا او را هدف بگیرند. مشکلی که با آن روبرو می‌شوند این است که تجهیزات رادیویی و تلفن ماهواره‌ای شان، هیچ‌یک به خوبی کار نمی‌کنند و به این ترتیب وقتی بایستی تصمیم مهمی گرفته شود، تماس پیوسته قطع و وصل می‌شود. سپس، هنگامی که خود را استتار کرده‌اند، سه نفر چوپان وارد مسیری می‌شوند که به پناهگاه آنها منتهی می‌شود.

روزنامه‌بازی

روزنامه کیهان ۲٤ شهریور ۱۳۵۸

دعوت امام و آیت الله منتظری درباره «اتحاد روحانیون و دانشگاهیان» تیتر اول روزنامه کیهان بود. این روزنامه به نقل از امام خمینی نوشت: «نمی‌گویم هر که عمامه دارد خوب است لکن دشمنان با بدها مخالف نیستند، خوب‌ها را می‌شکنند. عکس روز کیهان هم از اقامه نماز جمعه به امامت آیت الله منتظری در بهشت زهرا بود. این اولین نماز جمعه بعد از وفات آیت الله طالقانی بود که نزدیک مزار وی برگزار شد. کیهان تیتر زد: « بزرگترین نماز جمعه تاریخ بر مزار شهدا». این روزنامه به نقل از ایت الله منتظری نوشت: « برای ریاست جمهوری عمامه مطرح نیست، بلکه اسلام شناسی، تقوی ، عدالت و قاطعیت شرط است».

چهره‌ها

عبدالحسین زرین کوب؛ نویسنده و مترجم

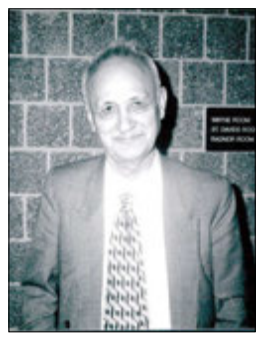

عبدالحسین زرین‌کوب (۲۷ اسفند ۱۳۰۱ – ۲۴ شهریور، ۱۳۷۸) ادیب، تاریخ‌نگار، منتقد ادبی، نویسنده، و مترجم برجسته ایران معاصر است. آثار او به‌عنوان مرجع عمده در مطالعات تصوف و مولوی‌شناسی شناخته می‌شود. وی از تاریخ‌نگاران برجسته ایران است و آثار معروفی در تاریخ ایران و نیز تاریخ اسلام دارد. این آثار به‌دلیل بیان ادبی و حماسی تاریخ از آثار پرفروش در میان ایرانیان هستند.
زرین‌کوب بیش از چهار دهه در دانشگاه تهران، ادبیات فارسی، تاریخ اسلام و تاریخ ایران تدریس کرد و پس از انقلاب، با مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی همکاری کرد، از جمله این که ۶۵۰۰ کتاب و مجله را به دائرةالمعارف بزرگ اسلامی اهدا کرد.
زرین کوب تحصیلات ابتدایی را در زادگاه خویش به پایان برد. تحصیل در دوره متوسطه را تا پایان سال پنجم متوسطه در بروجرد ادامه داد و به‌دنبال تعطیلی کلاس ششم متوسطه در تنها دبیرستان شهر، برای ادامه تحصیل به تهران رفت. رشته ادبی را برگزید و در سال ۱۳۱۹ تحصیلات دبیرستانی را به پایان برد. سال بعد به بروجرد بازگشت و به تدریس در دبیرستان‌های خرم‌آباد و بروجرد پرداخت. در این دوران، درس‌های مختلف از تاریخ و جغرافیا و ادبیات فارسی تا عربی و فلسفه و زبان خارجی را تدریس می‌کرد. در همین دوره، نخستین کتاب او به نام فلسفه، شعر یا تاریخ تطور شعر و شاعری در ایران در بروجرد منتشر شد.
در سال ۱۳۲۴، پس از آن‌که در امتحان ورودی «دانشکده علوم معقول و منقول» و «دانشکده ادبیات» حائز رتبه اول شده‌بود، وارد رشته ادبیات فارسی دانشگاه تهران شد. در سال ۱۳۲۷، دوره لیسانس ادبیات فارسی را با رتبه اول به پایان رساند، و سال بعد وارد دوره دکتری رشته ادبیات دانشگاه تهران شد. در سال ۱۳۳۴ از رساله دکتری خود با عنوان نقدالشعر، تاریخ و اصول آن، که زیرنظر بدیع‌الزمان فروزانفر تألیف شده‌بود، با موفقیت دفاع کرد. زرین‌کوب در سال ۱۳۳۰ در کنار عده‌ای از فضلای عصر، همچون محمد معین، پرویز ناتل خانلری، غلامحسین صدیقی و عباس زریاب خویی برای مشارکت در طرح ترجمهٔ مقالات دائرةالمعارف اسلام (طبع هلند) دعوت شد.
از سال ۱۳۳۵ با رتبه دانشیاری کار خود را در دانشگاه تهران آغاز کرد و عهده‌دار تدریس تاریخ اسلام، تاریخ ادیان، تاریخ کلام و تاریخ تصوف در دانشکده‌های ادبیات و الهیات شد. زرین‌کوب چندی نیز در «دانشسرای عالی تهران» و «دانشکده هنرهای دراماتیک» به تدریس پرداخت. وی از سال ۱۳۴۱ به بعد، در فواصل تدریس در دانشگاه تهران، در دانشگاه‌های آکسفورد، سوربن، هند و پاکستان، و در سال‌های ۱۳۴۷ تا سال ۱۳۴۹ در آمریکا به‌عنوان استاد میهمان در دانشگاه‌های کالیفرنیا و پرینستون به تدریس پرداخت.
زرین‌کوب در سال‌های ورودش به دانشکده، با قمر آریان آشنا شد. قمر آریان، در گفتگویی که در سال ۱۳۸۳ در روزنامه جام جم چاپ شد، تعریف کرد که آشنایی آن‌ها در فضای دانشکده نزدیک به ۹ سال ادامه یافته‌بود، تا آن‌که سرانجام عبدالحسین زرین‌کوب، که سی‌ساله شده‌بود، از آریان خواستگاری کرد. به گفته خودش، زمانی که ماجرا را با پدرش مطرح کرد، شنید که پدرش به‌خوبی با زرین‌کوب آشناست و مقالاتی از او خوانده، اما فکر می‌کرده که نویسنده آن مقالات باید مردی ۵۰ساله باشد. آریان و زرین‌کوب در سال ۱۳۳۲ با هم ازدواج کردند و تحصیلات خود را در مقطع دکتری نیز ادامه دادند (زرین‌کوب نفر اول و آریان نفر دوم در کنکور دکتری بود). و پس از فارغ‌التحصیلی، سال‌های سفرشان آغاز شد. قمر آریان سال‌های بسیاری را همراه با همسرش در هند، چندین کشور اروپایی و عربی و لبنان گذراند. ازدواج آریان و زرین‌کوب فرزندی به‌دنبال نداشت. عبدالحسین زرین‌کوب در ۲۴ شهریور ۱۳۷۸ در ۷۷سالگی در تهران درگذشت.